

عنوان مقاله:

شواهد باستان شناختی دوران پلیستوسن و هولوسن در منطقه سومار، استان کرمانشاه

محل انتشار:

فصلنامه کواترنری ایران، دوره 8، شماره 3 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 41

نویسندگان:

حجت دارابی - دانشیار گروه باستان شناسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

سامان مصطفی پور - دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان شناسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

خلاصه مقاله:

منطقه سومار در شهرستان قصرشیرین استان کرمانشاه، به دلیل قرارگیری در حد فاصل دو حوزه‌ی فرهنگی شامل زاگرس مرکزی و بین النهرین یکی از مناطق مهم اما ناشناخته در پژوهش‌های باستان‌شناسی به شمار می‌رود. این منطقه که بیشتر متشکل از یک دشت کوچک رسوبی و سیلابی است، در زمره مناطق بینابینی است که از نظر جغرافیایی و زمین ریخت شناسی دشت‌های پست بین النهرین و نواحی بلند زاگرس را به هم پیوند می‌دهد. این مناطق حائل، به دلیل مرزی بودن و آلودگی به بقایای انفجاری ناشی از جنگ ایران و عراق تاکنون بسیار کمتر مورد توجه باستان شناسان بوده‌اند. با این حال، موقعیت جغرافیایی خاص و قابلیت‌های محیطی منطقه سومار، انجام پژوهش‌های باستان‌شناختی باهدف درک جایگاه ارتباطی آن بین زاگرس و بین‌النهرین و نیز مطالعه سیر تغییر و تداوم استقرارهای انسانی در طول زمان را در آن ضرورت می‌بخشید. در این راستا، با توجه به خطر تسطیح و تخریب محوطه‌های باستانی ناشی از اجرای طرح انتقال آب گرمسیری فرصتی دست داد تا در زمستان سال ۱۳۹۴، بررسی و شناسایی باستان‌شناسی اضطراری در سومار صورت گیرد. طی این بررسی شواهد مختلفی از دوران مختلف پلیستوسن و هولوسن (پارینه سنگی قدیم تا اسلامی متاخر) شناسایی شد که دربرگیرنده محوطه باز، تپه، گورستان و پل هستند. با وجود شواهدی از دوران پارینه سنگی در منطقه، به نظر می‌رسد که سکونت گسترده از پایان دوره نوسنگی و حدود اوایل هزاره ششم پ.م. آغاز شده که این امر احتمالاً در نتیجه گسترش فرهنگ‌های بین‌النهرین (عبید ۱۰ / سامرا جدید) روی داده است. این رویه و ارتباط تنگاتنگ در دوران بعدی تا هزاره نخست پ.م. به روشنی دیده می‌شود. بیشترین فراوانی محوطه‌ها مربوط به هزاره سوم و هزاره دوم پ.م. و همچنین دوران تاریخی (اشکانی و ساسانی) است. اغلب محوطه‌های شناسایی شده از منطقه سومار در اطراف رودخانه گنگیر واقع شده‌اند. این الگوی پراکنش استقراری به دلیل اهمیت زیاد این رودخانه در کنار جایگاه خاص سومار به عنوان مسیر ارتباطی بوده که سرزمین‌های پست بین‌النهرین را به ارتفاعات زاگرس مرتبط می‌ساخت. در این راستا، شواهد به دست آمده از برخی محوطه‌ها مانند تپه قلا در مرکز دشت به وضوح گویای ارتباط این دو منطقه فرهنگی است. با توجه به شواهد موجود از قبیل موقعیت مکانی، وسعت، میزان و تراکم آثار سطحی می‌توان آثار شناسایی شده را به استقرارهای دائم و فصلی نسبت داد. بررسی سومار حکایت از تداوم حضور انسان از دوران پلیستوسن تا به امروز در این منطقه دارد.

کلمات کلیدی:

سومار، بین‌النهرین، زاگرس مرکزی، بررسی باستان‌شناختی، سفال، دست‌افزار سنگی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1925793>

